

آب

۲۸ سپتامبر ۲۰۱۹

حق آب برای جاری بودن: یک آغاز

محدود به دنبال رشد نامحدود هستیم. با ظرفیت جذب محدود به دنبال آلودگی نامحدود هستیم. مرزها را باز کردیم، به سمت نابودی می‌رویم. است و با سرعتی بیشتر از هر زمانی گرم می‌شود. جهان کثیف‌تر از هر زمان دیگری است و با سرعتی بیشتر از هر زمانی کثیف می‌شود. با منابع جهان گرم‌تر از هر زمان دیگری

در خونمان، در مغزمان. از درون یک سیستم شکسته و ناعادلانه در تلاشیم خود همین سیستم را هم تغییر دهیم. و قطعاً نمی‌دانیم چه کار باید بکنیم.»
«قاره هفتم درون ماست،

خواهند شد. سخنرانی آغازین می‌گوید این مبارزه مبارزه با خودمان است — جستجوی دشمن در بیرون آسان است، اما ما خود آن دشمن هستیم. ندانستن را به عنوان نقطه حرکت می‌پذیریم. نمی‌دانیم بشریت نابود خواهد شد یا نه اما مطمئنیم حقوق بشر، حقوق حیوانات، حقوق طبیعت نابود سخنرانی آغازین مثل یک اعتراف شروع می‌شود: نمی‌دانیم. نمی‌دانیم چه کار باید بکنیم اما

فعالان، هنرمندان، موسیقی‌دانان به ترتیب روی صحنه خواهند آمد، هر ارائه حدود بیست دقیقه خواهد بود، بین آنها تغییر صحنه خواهد بود. در نشست‌های بسته برنامه Solunum حالا به فضای عمومی منتقل می‌شود — در قاب بینال اما از بینال سرریز شده. در فرمت ماراتن: محققان، اولین تجمع عمومی برنامه Sindirim برای آب است، برای حق آب برای جاری بودن. اندیشه‌های سه سال انباشته شده

دور باطل: محاکمه استانبول با آب

دارد؟ چون سرمایه‌گذاری اینجاست. چرا سرمایه‌گذاری اینجاست؟ چون سودآور است. تا وقتی از شیر آب می‌آید انسان‌ها به آمدن ادامه خواهند داد. باران نمی‌تواند به خاک برسد، نمی‌تواند فرو برود، چرخه مختل می‌شود. چرا همه جا بتن است؟ چون مهاجرت وجود دارد. چرا مهاجرت وجود دارد. یک دور باطل است. چرخه طبیعی آب ساده است: تبخیر از سطوح، بارش، برخورد با خاک. اما در استانبول خاک کجاست؟ همه جا بتن و آسفالت. اولین ارائه داستان آب استانبول را روایت می‌کند — و این داستان

قرار دارد. راه‌حل، آوردن آب از ۱۸۰ کیلومتر دورتر، از Büyük Melen است — پروژه‌ای برای رفع تشنگی یک مگاسیتی با آب جغرافیای دیگر. شهر فقیر در آب، بلکه شهری فقیر در مدیریت آب است. دریاچه Terkos از دهه ۱۸۰ استانبول را تغذیه می‌کند اما حالا در معرض خطر نمک‌زدگی به زمین فرو می‌رود. بیش از یک‌صد و هفتاد رودخانه کوچک در کانال‌های بتنی حبس شده‌اند. بارش سالانه بالاتر از میانگین ترکیه — این نه یک عظیم است. اتلاف شبکه بیست و سه و نیم درصد — از هر چهار لیوان آب یکی از سد خارج می‌شود و قبل از رسیدن به خانه‌ها از ترک‌ها و شکاف‌ها محقق ارقام را برمی‌شمارد و هر رقم یک زخم است: جمعیت بیش از ۱۵ میلیون، مصرف روزانه ۲.۷۳ میلیون مترمکعب آب — این یک هیولای آب «شهر به هر جایی که آب دارد دست می‌رساند. هر جا دست می‌زند آبش را خشک می‌کند. بعد دست دورتری می‌زند.»

اسکامانگانا ساکت شد: حافظه فرهنگی دریای سیاه

کشاورزی دور می‌کند. اجداد ما حتی به ذهنشان نمی‌رسید حیوانات را بکشند؛ با ترکیب آب، درخت شاه‌بلوط و عقل یک راه‌حل تولید کردند. یک دستگاه چهارهزارساله — که با استفاده از جریان‌های کوچک آب جاری از دره‌ها کار می‌کند، با صدای زنگ حیوانات وحشی را از زمین‌های صدای دوم از دریای سیاه می‌آید و روایت با یک شیء شروع می‌شود: اسکامانگانا.

حبس کرد. با دروغ «کمی پایین‌تر برمی‌گردانیم». قزل‌آله‌های لکه‌دار قرمز شروع به ناپدید شدن کردند؛ با خشک شدن آب، فرهنگ هم خشک می‌شود. را با دینامیت منفجر کردند، ساحل‌ها را با سنگ پر کردند، به رودخانه‌ها زنجیر زدند. نیروگاه‌های برق آبی — HESها — آب رودخانه‌ها را در لوله‌ها دره جریان می‌داد قطع کرده‌اید. فعال این داستان را با «آمدن» روایت می‌کند — چند شرکت که با حرص، ریاکاری و دروغ‌های انرژی آمدند. کوه‌ها هم از بین رفتند. آب مثل جریان خون در بدن انسان در زمین گردش می‌کند — وقتی آب بالا را می‌برید، رگ همه زندگی‌ای را که آن رودخانه در طول جریان‌های آب کوچکی که آنها را تغذیه می‌کردند دیگر وجود ندارند. حتی مانده‌ها و بقایای جریان‌های کوچکی که از دره‌ها به رودخانه‌ها می‌رسیدند اما اسکامانگانا خاموش شدند. چون

هرگز تمام نشود». افسانه نیمه‌کاره می‌ماند: «همه چیز نیمه است. رودخانه نیمه، فیلم نیمه.» مثل اسکامانگاناها، افسانه هم دیگر با آب جاری نیست. روزی سرش را بیرون آورده موهایش را شانه می‌زده که باد سرش را غلتانده، یک خار تمشک آن را گرفته، Çinka خار را متبرک کرده گفته «نسلت روایت به یک افسانه تبدیل می‌شود: Çinka، پری آب در زبان لازی. دختر پادشاه پریان

«کاش Çinka همه دریای سیاه را متبرک می‌کرد. که ریشه‌هایت هرگز خشک نشود، هیچ‌کس نتواند بیاید.»

عشق سمی: از درون قاره هفتم

دلیلش همان مواد شیمیایی است. «با پلاستیک یک عشق سمی داریم» می‌گوید. «یا مال منی یا مال خاک سیاه — پلاستیک این را به ما می‌گوید.» می‌شود، یکصد و چهل و هشتای آن کشنده است. اگر فرش‌هایمان نمی‌سوزند، کیسه‌هایمان محکم است، بطری‌های PET مان انعطاف‌پذیر است، با یک ظرف نمونه کوچک سر کلاس می‌رود. داستان میکروپلاستیک‌ها را روایت می‌کند: بیش از نهمصد ماده شیمیایی در تولید پلاستیک استفاده صدای سوم علمی اما زبانش شاعرانه است — یک دانشمند دریا که این موضوع را در دانشگاه تدریس می‌کند و همیشه

ماهی‌ها می‌خورند، فک‌ها می‌خورند، پرندگان می‌خورند، ما می‌خوریم. حتی آب خروجی ماشین‌های لباسشویی هم پر از فیبر پلاستیک است. دویست میلی‌لیتری پنج میلیارد ذره میکروپلاستیک وجود دارد. پنج میلیارد — با شمردن محاسبه شده، با نسبت تأیید شده. پلانکتون‌ها می‌خورند، خلیج اسکندرون، در مرسین، روزانه سی و یک کیلوگرم پلاستیک به ساحل می‌آید، صد برابرش در کف دریا دفن می‌شود. در یک ظرف نمونه کوچک مدیترانه یک سوپ میکروپلاستیک است. مدیترانه شرقی — دقیقاً همین آب‌ها — یکی از قرمزترین مناطق نقشه جهانی است. در

پلاستیک را انداختیم. پلاستیک به ما برگشت. پردازش شد، تغییر کرد، دگردیسی یافت. در نمک، در صدف، در اوبستر، در ماهی، در همه چیز.»
«نوار را به اول برمی‌گردانیم.»

بین دو دریا: ماده، مرز، پیاده‌روی

زباله قدیمی Halkalı بنا شده، با کانال مصنوعی‌ای که با آب غیرمجاز از دریاچه Küçük Çekmece تغذیه می‌شود. عریان‌ترین شکل گروتسک. سوم روی آن ساخته شده — یک زمین «فاجعه‌آمیز» که همه آوار شهر در آن جمع شده. Bosphorus City: سایت بسته‌ای که روی محل دفن معادن سنگ، حفاری ساختمان، بتن. معادن سنگ پشت محله Gazî روز به روز گسترش می‌یابند. بسترهای قدیمی لیگنیت با حفاری پر شده، فرودگاه یک مهندس-هنرمند است — که با نگاه تحلیلی تخصص مهندسی و فاصله مشاهده‌گر هنرهای بصری، استانبول را از منظر جریان‌های مادی می‌خواند: صدای چهارم متعلق به

سدهای GAP، دیوار ایالات متحده-مکزیک، اسرائیل-فلسطین، مرز ترکیه-سوریه — آب به یک ابزار امنیتی، یک شیء میلیتاریسم تبدیل می‌شود. کردن را پیشنهاد می‌کند: مردم هر چه خواهد بود، خوب یا بد، با بدن خودشان تجربه کنند. بحث سدهای مرزی هم در این چارچوب قرار می‌گیرد: بشر — از راهپیمایی‌های گاندی تا شورش‌های ۶۸ پاریس، از کلکتیو stalker تا مسیر لیس. مسیر کانال استانبول را به یک مسیر پیاده‌روی تبدیل اما مهندس-هنرمند فقط تشخیص نمی‌دهد، یک روش هم پیشنهاد می‌کند: راه رفتن. عمل پیاده‌روی یکی از بنیادی‌ترین حرکات تاریخ

ساخته می‌شود؟ این سدها امنیت چه کسی را تأمین می‌کنند؟ آیا آب از همه زمینه‌های حیاتی‌اش جدا می‌شود و به ابزار میلیتاریسم تبدیل می‌گردد؟
«آیا با سدهای امنیتی یک دیوار مرزی از آب

صدای آب: یک پایان‌بندی

که باید تجربه شود، شنیده شود، لمس شود. کنار هم ایستادن تحقیق و اجرا روش birbuçuk است: دانش نه فقط از داده، بلکه از بدن هم می‌آید. تبدیل می‌کند. اینها در رونویسی نوشتاری منعکس نمی‌شوند اما روح برنامه را می‌سازند: آب فقط یک شیء برای تحلیل نیست، یک موجودیت است می‌کند، بدن‌ها و صداهایشان را با آب در تماس قرار می‌دهند؛ یک موسیقی‌دان تماس ریشه‌های گیاه با آب را به سیگنال‌های الکتریکی، از آنجا به صدا در طول ماراتن دو اجرا هم روی صحنه می‌رود — یک گروه مناسک آبی برگزار

به ابزار میلیتاریسم تبدیل شده — همه چهره‌های متفاوت یک سیستم هستند. حق آب برای جاری بودن در واقع حق زندگی برای جاری بودن است. هر رودخانه‌ای که حق جاری بودنش غصب شده، هر مسیر آبی که در کانال بتنی حبس شده، هر دریایی که با میکروپلاستیک پر شده، هر سدی که آب‌هوا، اعتراضات موزه. ماراتن عمومی Sindirim شروع شده، آب به عنوان اولین شیء هم ملموس‌ترین و هم سیاسی‌ترین چیز را آشکار کرده: «Maybe they will ask me about you, the people you knew back in 2018. Maybe they will ask why you didn't do anything» سکوئی که روی سالن می‌نشیند مثل یک پاسخ است. هفته آینده نشست بنزین است — اقتصاد نفت، بحران در پایان‌بندی یک صدای جوان بلند می‌شود،